

۲. به جای عبارت «بین یک دوم و یک سوم چند کسر بنویسید»، باید گفت «بین یک دوم و یک سوم چند عدد کسری یا عدد گویا بنویسید». در بسیاری از قسمت‌های کتاب، به جای اصطلاحات دقیق «اعداد کسری» یا «اعداد گویا»، تنها از کلمه «کسر» استفاده شده است.

۳. در صفحه‌ی ۲۵ نوشته شده «عددها به دو دسته، عددهای گویا و عددهای گنگ دسته‌بندی می‌شوند»، در صورتی که باید نوشته شود «عددهای حقیقی به دو دسته، عددهای گویا و عددهای گنگ دسته‌بندی می‌شوند».

* دانشگاه صنعتی خواجه نصیر تهران

پیشرفته‌ای مانند «شمارش کانتور» (که ثابت می‌کند اعداد گویا شمارا هستند و روشی برای نوشتن اعضای آن ارائه می‌دهد) آماده نباشد، اما نباید به او این ذهنیت غلط را داد که «اصلاً چنین کاری ممکن نیست».^۱

غلط‌های نگارشی

علاوه بر این اشکال محتوایی، دو فصل اول کتاب دارای اشکالات نگارشی است. برای مثال:

۱. به جای پرسش «آیا می‌توان مجموعه‌ی عددهای گویا را با محور اعداد نمایش داد؟»، باید پرسید «آیا می‌توان مجموعه عددهای گویا را روی محور اعداد نمایش داد؟»

به یاد استاد عزیز، مرحوم دکتر حیدر زاهد زاهدانی

سعید علیخانی*

استاد خوب دیگری را از دست دادیم. اوایل سال ۱۳۷۸ در بخش ریاضی دانشگاه شیراز و در سر کلاس درس آنالیز تابعی مرحوم دکتر کریم صدیقی بودیم که دیدم آقای دکتر زاهد زاهدانی نیز به همراه آقای دکتر صدیقی، مدرس درس، وارد کلاس شدند. با خودم گفتم، احتمالاً آقای دکتر صدیقی برایشان کاری پیش آمده و می‌خواهند زودتر کلاس را تعطیل کنند و دکتر زاهد زاهدانی را آورده‌اند تا تا آخر کلاس بمانند. اما با کمال تعجب هر دو استاد عزیز تا پایان سر کلاس ماندند. جلسه بعدی درس آنالیز تابعی مجدد دیدیم که هر دو عزیز با هم به کلاس آمدند. برخی دقایق کلاس دکتر صدیقی و دکتر زاهد زاهدانی روی موضوعی که تدریس می‌شد، بحث علمی می‌کردند که برای من که آن زمان بسیار بیشتر از الان عاشق یادگیری بودم، جالب و آموزنده بود. برخی مواقع با اجازه آنها به بحث علمی آنها وارد و به پای تخته می‌رفتم و نظراتم را می‌نوشتیم و این دو استاد عزیز آنقدر برخورد آکادمیک و مهربانانه‌ای داشتند که بنده بیشتر جرات پیدا می‌کردم وارد بحث ایشان شوم. آن ترم درس آنالیز مختلط را هم با خود آقای دکتر زاهد زاهدانی داشتیم. کلاس که تمام شد، من به



نفر دوم از چپ: دکتر حیدر زاهد زاهدانی

خبر فوت ناگهانی استاد عزیزم، مرحوم آقای دکتر حیدر زاهد زاهدانی را ناباورانه در فضای مجازی دیدم. عمیقاً ناراحتم کرد. آری،

^۱ نوشتن مجموعه اعداد گویا به روش کانتور به این ترتیب است که با نوشتن اعداد کسری که مجموع صورت و مخربشان ۱ است، یعنی $\frac{1}{2}$ ، آغاز می‌کنیم، سپس همه اعداد کسری که مجموع صورت و مخربشان ۲ است، یعنی $\frac{1}{3}$ و $\frac{2}{3}$ را می‌نویسیم، سپس اعداد کسری که مجموع صورت و مخربشان ۳ است، یعنی $\frac{1}{4}$ ، $\frac{2}{4}$ و $\frac{3}{4}$ را می‌نویسیم و به همین ترتیب ادامه می‌دهیم.

منتظر تحویل پیکرش جلوی بیمارستان نمازی ایستاده بودم، دکتر زاهد زاهدانی را دیدم که به من اشاره کرد که نزدش بروم. او که در حال گریه بود به من گفت: «حالا هر دو متوجه شدیم که چرا مرا با خود به کلاس شما می‌آورد». آری! استاد دکتر صدیقی که از بیماری سرطان خود باخبر بود و می‌دانست به‌زودی ما را ترک می‌کند، نمی‌خواست درس آنالیز تابعی در این ترم و شاید ترم‌های بعدی مدرس نداشته باشد و به‌خاطر نبودن او تعطیل شود.

آری! معلمی و استاد شدن شاید سخت نباشد، اما استاد محبوب و ماندگار شدن کار ساده‌ای نیست. این دو استاد عزیزم مثال‌هایی از استادان عاشقی هستند که هیچ‌گاه یادشان از خاطر شاگردانشان پاک نخواهد شد.

روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

* دانشگاه یزد

دفتر آقای دکتر زاهد زاهدانی رفتم تا از ایشان بپرسم علت حضور جنابعالی به‌همراه دکتر صدیقی در سر کلاس چیست؟ استاد زاهدانی که بسیار خوش‌برخورد و خوش‌اخلاق بودند، گفتند: «باورت می‌شود خودم هم نمی‌دانم! ایشان به من پیشنهاد داده، من هم مشتاقانه با ایشان سر کلاس می‌آیم». شاید ۳-۴ هفته‌ای به‌همین شکل گذشت و شنیدیم که آقای دکتر صدیقی به سختی مریض هستند و نمی‌توانند سر کلاس بیایند. من که به‌خاطر استادان خوبی مانند دکتر کریم صدیقی و دکتر زاهد زاهدانی و دیگر استادان بسیار خوب، دانشگاه شیراز را برای ادامه تحصیل انتخاب کرده بودم و استاد دکتر صدیقی اصرار مرا برای پذیرفتن راهنمایی پایان‌نامه‌ام پذیرفته بود، بیماری جدیش بسیار مرا اندوهناک ساخته بود. از همان موضوعی که می‌ترسیدم، اتفاق افتاد. صبح چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۸ که به بخش ریاضی آمدم، متوجه شدم آقای دکتر صدیقی فوت کرده‌اند. اصلاً باورم نمی‌شد. چند روز بعد که برای مراسم تشییع جنازه‌اش

یادنامه‌ای به پاس استاد فقید، دکتر حیدر زاهد زاهدانی

فرشید عبدالمهی*

هیئت علمی بخش ریاضی دانشگاه شیراز، جناب آقای دکتر حیدر زاهد زاهدانی را به خانواده گرامی ایشان، جامعه علمی کشور، و به‌ویژه همکاران و دانشجویان دانشگاه شیراز تسلیت عرض می‌نمایم.

استاد زاهدانی از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۲ به‌عنوان عضو هیئت علمی بخش ریاضی دانشگاه شیراز، نقش برجسته‌ای در آموزش، پژوهش و تربیت نسل‌های متعدد از دانشجویان ایفا کردند. ایشان با تسلط علمی، دقت نظری، و اخلاق حرفه‌ای مثال‌زدنی، همواره الگویی از یک استاد متعهد، دقیق و دلسوز بودند؛ استادی که علم را با انسانیت درآمیخته و در دل شاگردان خود جاودانه شد.

در سال ۱۳۸۲، پس از مهاجرت به ایالات متحده، فعالیت علمی خود را در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، سن مارکوس^۱ ادامه دادند. در آنجا نیز، با همان روحیه متعهدانه، به آموزش دروس ریاضی پرداختند و با صبر، وضوح، و احترام عمیق به دانشجو، مفاهیم پیچیده را به زبانی ساده و دلنشین منتقل کردند. علاقه‌مندی ایشان به آموزش، نه‌تنها در کلاس درس بلکه در تعاملات فردی با دانشجویان، کاملاً مشهود بود.



با نهایت تأسف و تأثر، درگذشت استاد فرهیخته و عضو پیشین

¹ California State University, San Marcos

در کنار دانش و تعهد، آنچه استاد زاهدانی را در دل‌ها ماندگار کرد، خوش‌رویی و آرامش حضورشان بود. ایشان با چهره‌ای گشاده، رفتاری متین، و نگاهی مهربان، فضایی از امید و انگیزه در اطراف خود می‌آفریدند. دیدار با ایشان، حتی در کوتاه‌ترین لحظات، روحیه‌ای تازه در انسان ایجاد می‌کرد، گویی حضورشان خود نوعی آرامش بود.

با وجود مهاجرت، استاد زاهدانی ارتباط خود را با دوستان، همکاران و شاگردان سابق خود حفظ کردند. این پیوند انسانی و عاطفی، گواهی بر روح بزرگ، وفاداری و علاقه‌مندی ایشان به جامعه علمی ایران بود. گفت‌وگوهای دوستانه، تبادل علمی، و خاطرات مشترک با ایشان، تا واپسین سال‌های عمرشان ادامه داشت و برای بسیاری از ما منبعی از انگیزه و آرامش بود.

درگذشت ایشان ضایعه‌ای بزرگ برای خانواده، دوستان، و جامعه علمی است. یاد و نام ایشان در دل شاگردان و همکارانشان زنده خواهد ماند و آثار علمی و تربیتی ایشان چراغ راهی برای آیندگان خواهد بود.

روحشان شاد و یادشان گرمی باد

* رییس بخش ریاضی دانشگاه شیراز و عضو شورای اجرایی انجمن ریاضی ایران

از افتخارات نگارنده، گذراندن دروس آنالیز ۱، آنالیز ۳، توابع مختلط، جبر خطی ۲ و همچنین پروژه کارشناسی با ایشان بود. شیوه تدریس استاد زاهدانی، که آمیخته با آرامش، وضوح مفاهیم، و احترام عمیق به دانشجو بود، تأثیر ماندگاری بر مسیر علمی و فکری من گذاشت. ایشان نه تنها آموزگار ریاضیات بودند، بلکه با منش انسانی و رفتار متواضعانه‌شان، درس‌هایی فراتر از علم به ما آموختند.

در کلاس‌های ایشان، تخته‌سیاه تنها ابزاری برای نوشتن نبود؛ صحنه‌ای بود برای تجلی اندیشه، نظم، و زیبایی. استاد زاهدانی با گچی سپید در دست، مفاهیم ریاضی را چنان با دقت و آرامش بر تخته نقش می‌زدند که گویی خوش‌نویسی می‌کنند، نه صرفاً تدریس. دست‌خط ایشان خوش‌خوان، موزون و دل‌نشین بود؛ هر نماد و هر خط، با وسواس و ظرافتی خاص نوشته می‌شد تا دانشجو نه تنها بفهمد، بلکه از دیدن آن لذت ببرد.

انس استاد با تخته و گچ، از جنس عشق بود، عشقی به آموزش، به وضوح، به زیبایی در بیان. تخته‌سیاه زیر دستان ایشان، به بوم نقاشی بدل می‌شد که بر آن، ریاضیات با رنگی از هنر و طراوت جان می‌گرفت. دانشجویان، نه تنها از محتوای درس بهره‌مند می‌شدند، بلکه از نظم و زیبایی نوشتار ایشان، الهام می‌گرفتند؛ گویی هر جلسه، ترکیبی بود از علم و هنر، منطق و لطافت.

به یاد استاد مرحوم دکتر حیدر زاهد زاهدانی

محمد فرشی *

خدا رحمت کند دکتر زاهد زاهدانی را. بسیار خوش اخلاق و باسواد بود. حقیر افتخار داشتم درس توپولوژی و پایان نامه ارشدم را با ایشان بگذرانم و اولین مقاله خود را (در دوره ارشد) با عنوان «حدس سینگر - ورمر» با همکاری ایشان در فرهنگ و اندیشه ریاضی چاپ نمایم. از درگاه خداوند متعال برای ایشان رحمت واسعه الهی و آرامش در جوار حضرت احدیت مسئلت می‌کنم.

روحشان شاد و یادشان گرمی باد.

* گروه علوم کامپیوتر دانشگاه یزد



از چپ: محمد فرشی، دکتر حیدر زاهد زاهدانی، دکتر بهرام خانی، دکتر کریم صدیقی، دکتر محسن تقوی